

پژوهشی پیرامون فعالیت‌های خاورشناسان در جهان اسلام

بخش پایانی

محمد عبداللطیف ناروئی

ویژگی‌های تحقیقات خاورشناسان

خاورشناسان گرچه در باب پژوهش‌های اسلامی گام‌های بلندی برداشته و تحقیقات قابل ملاحظه‌ای را از خود به جای گذاشته‌اند، اما واقعیت آنست که آنان اهداف پوشیده و بزرگ‌تری را دنبال کرده‌اند و در لابه لای صفحات آثار خویش، از هر فرصتی سوءاستفاده کرده و به زهرافشانی پرداخته‌اند و در مورد شریعت اسلام سخنان رکبیک و متعارضی را ابراز داشته‌اند. یکی از بارزترین خصصیت‌های آنان در امر پژوهش آنست که در تتبع و پیگیری نقاط ضعف در شریعت اسلامی هرگز درنگ نمی‌کنند.^(۱)

این ویژگی در بسیاری از کتابهای خاورشناسان مشهود است و پرده از حقیقت تحقیقات‌شان برمی‌دارد. آنان مطالب مثبت را منفی، و منفی را مثبت جلوه می‌دهند. حق را باطل قلمداد می‌کنند و باطل را ردائی از حقیقت می‌پوشانند، و برای یاوه‌گویی‌ها و استنباط‌های بی‌موردشان از روایاتی استفاده می‌کنند که مورد وثوق نیست. به عنوان مثال، خاورشناسان تهمت سوزاندن کتابخانه‌های شهر اسکندریه را طرح کرده و برای بدنام کردن اسلام و مسلمانان این کار را به آنان نسبت می‌دهند و نتیجه می‌گیرند که اسلام با علم و دانش مخالف است، در حالی که نسبت دادن این کار به فاتحان مسلمان تهمت و افسانه‌ای بیش نیست و از اساس باطل است.

گیبون، یکی از اندیشمندان منصف غربی، اظهار داشته است که کتابخانه‌های گرانبهای اسکندریه سه قرن پیش از حمله مسلمین به مصر، به دست مسیحیان متعصب به آتش کشیده شده است.^(۲) محققان اروپایی دیگری همچون گوستاولویون و کریل نیز به تکذیب این مسئله پرداختند.^(۳)

استراتژی زیرکانه خاورشناسان

خاورشناسان استراتژی دقیق و زیرکانه‌ای دارند که برای دست یافتن به اهداف‌شان از آن بهره می‌جویند. آنان قبل از بررسی و نگارش موضوعی، اهداف مشخصی را در نظر گرفته و سپس حقایق تاریخی را نه به صورت واقعی آن، بلکه طبق میل خود و بر اساس اهداف مورد نظر طرح و بر پایه آن نتیجه‌گیری می‌کنند. از همین جهت گاهی تناقض‌گویی کرده، گاهی حقایق را انکار می‌کنند، و گاه با قطع و برید عبارات و متون اسلامی به فرافکنی و یاوه‌گویی می‌پردازند.

علامه سید ابوالحسن ندوی می‌نویسد: خاورشناسان، اغلب برای جانداختن یک مسئله بی‌اساس و انحرافی، ابتدا با اسلوبی جذاب و سخاوتمندانه به بیان ویژگی‌ها و برجستگی‌هایی که به موضوع اصلی ربط چندانی ندارد، می‌پردازند، تا خواننده را نسبت به سعه صدر و اسلوب تحقیقی خود مطمئن کنند؛ سپس به طرح مسئله انحرافی و بی‌اساسی که از ابتدا مدنظرشان بوده مبادرت می‌ورزند، که همین مسئله به تنهایی برای تردید و شک در تمام آن ویژگی‌ها و برجستگی‌ها کافی است.^(۴)

به عنوان مثال، کارل بروکلمان، مستشرق آلمانی، پس از تحقیقات بی‌شمار در رابطه با اسلام و حقایق تاریخی اسلام، در کتاب خود، تاریخ ملت‌های اسلامی^(۵)، علی‌رغم آگاهی، اما بنا بر دیدگاه متعصبانه‌اش علیه اسلام چنین می‌نویسد: «ما در زمینه نخستین ایام زندگی پیامبر دلیل قابل اعتمادی جز آیات اخیر سوره ضحی نداریم». و یک مسلمان هندی به نام خواجه کمال الدین در کتابش، المثل الأعلى فی الانبیاء، در جواب بروکلمان می‌نویسد: «من اگر بگویم پیامبر را بیش از پدر و مادرم می‌شناسم غلو نکرده‌ام».^(۶) استاد مصطفی سباعی، در کتاب گرانسنگش «السنة و مکانتها فی

مشرق زمین و اسلام، اهداف بی شماری داشته‌اند و از زوایای مختلفی به ارزیابی اسلام پرداخته‌اند. اما حقیقت آنست که برخی از آنان مزدوران و کارگزاران استعمارگران بوده و هدفی جز تضعیف اسلام، جاسوسی و شناسایی مواضع و موقعیت‌های سودمند برای آنان، نداشته‌اند. برخی از آنان از یهودیان و یا مسیحیان متعصب بوده‌اند که برای ترویج فعالیت‌های تیشیری وارد عمل شده‌اند.

استاد عباس محمود عقاد می‌نویسد: آن چنان با فریبکاری به تغییر و تبدیل تعالیم اسلامی پرداخته‌اند که آثار کینه‌توزی در لابه لای سطور و صفحات کتابهای شان موج می‌زند.^(۸)

مستشرقان به منظور ایجاد وهن و بی ارزش کردن منابع دین اسلام و موازین متین شریعت اسلامی، عرصه‌های مختلف و مهمی را در نظر گرفته‌اند. گاهی قرآن را در تیررس اتهامات بی بنیاد و حملات ناجوانمردانه خویش قرار داده، و گاه سنت را، و در زمینه تدوین حدیث و غیره به شبهه پراکنی پرداخته‌اند. گاه فقه را آماج اعتراضات بی اساس خویش، و در پاره‌ای موارد تاریخ اسلام، تمدن اسلامی، فرهنگ مسلمانان و ادبیات اسلامی را هدف ایجاد شبهات خود قرار داده‌اند. اما حقیقت آنست که آفتاب فروزان اسلام هرگز با شبهه افکنی این شب پره صفتان، بی فروغ نخواهد شد و همواره در حال تعالی و گسترش است:

مصطفی را وعده کرد الطاف حق / گربمیری تو نمیرد
این سبق / من کتاب و معجزه‌ت را رافعم / بیش و کم کن
را ز قرآن مانعم / من ترا اندر دو عالم رافعم / طاعنان را از
حدیث دافعم / کس نتاند بیش و کم کردن دراو / توبه از
من حافظی دیگر مجو / رونقت را روز روز، افزون کنم /
نام تو بر زویر نقره زخم / منبر و محراب سازم بهر تو / در
محبت قهر من شد قهر تو / من مناره پر کنم آفاق را / کور
گردانم دو چشم عاق را / چاکرانت شهرها گیرند و جاه /
دین تو گیرد ز ماهی تا به ماه / تاقیامت باقی اش داریم ما
/ تو مترس از نسخ دین ای مصطفی.^(۹)

الف: ایجاد تردید در قرآن و وحی

بزرگ‌ترین اقدام‌شان در این راستا آن بود که اصل و بنیاد را هدف قرار دادند و شبهات گوناگونی را درباره قرآن

التشریح الاسلامی»، مختصات القانات انحرافی و بی اساس خاورشناسان را این گونه بیان کرده است:

۱- بدگمانی و بدفهمی مسائل مربوط به اهداف و مقاصد اسلام،

۲- ایجاد بدگمانی نسبت به اسلاف، علمای اسلام و بزرگمردان تاریخ اسلامی،

۳- جامعه اسلامی بویژه دوران نخستین آن را چنان از هم پاشیده به تصویر می‌کشند که گویا رجال آن عصر طلائی، در انتهای انانیت و نفس پرستی قرار داشته‌اند،

۴- تمدن با شکوه اسلامی را به گونه‌ای ترسیم می‌کنند که از واقعیت فرسنگ‌ها فاصله دارد، تا از شأن آن کاسته و شگفتی‌های آن تحقیر شود،

۵- بر اثر ناآگاهی از طبیعت و سرشت واقعی اسلام و مسلمانان، بر پایه باورهای اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی جوامع خود، در مورد اسلام و مسلمانان قضاوت می‌کنند،

۶- نصوص اسلامی را با فرضیه‌های خود ساخته و هواهای نفسانی خود تطبیق داده و در پذیرش و یارد آنها موضع‌گیری می‌کنند،

۷- در بسیاری موارد نصوص را بر وفق مراد خود تحریف می‌کنند و آنجا که مجال تحریف نباشد برداشت‌های منفی را ترویج می‌نمایند،

۸- در استفاده از منابع و آثار مکتوب اسلامی و استناد به آن، از تحکم و تزویر کار می‌گیرند؛ مثلاً از کتاب‌های ادبی چیزی نقل کرده و در تاریخ حدیث از آن استفاده می‌کنند، و یا از کتاب‌های تاریخ مطلبی را بر می‌گزینند و در فقه از آن بهره‌برداری می‌کنند؛ به عنوان مثال آنچه را که «دمیری» در «کتاب الحیوان» آورده می‌پذیرند، اما آنچه را امام مالک در «موطأ» روایت می‌کند تکذیب می‌کنند و انگیزه‌ای جز ایجاد انحراف و دور شدن از حقیقت ندارند.^(۱۰)

در واقع اساس تحقیقات خاورشناسان بر تحریف و گمانه‌زنی و پرهیز از رسیدن به حق و حقیقت استوار بوده، و دستمایه تلاش‌شان ضربه وارد کردن بر پیکر اسلام و شبهه پراکنی پیرامون اصول و مبانی اسلام می‌باشد. از این روی نمی‌توان بر شعارهایشان مبنی بر بی طرف بودن و تلاش برای بحث آزاد و علمی اعتماد کرد.

اهداف خاورشناسان

خاورشناسان در راستای بررسی و پژوهش در زمینه

☑ اساس تحقیقات خاورشناسان بر تحریف و گمانه‌زنی و پرهیز از رسیدن به حق و حقیقت استوار بوده، و دستمایه تلاش‌شان ضربه وارد کردن بر پیکر اسلام و شبهه پراکنی پیرامون اصول و مبانی اسلام می‌باشد.

را آماج تهمت و افترا قرار داده‌اند. خاورشناسان با مشاهده نقش عمده فقه اسلامی در دین اسلام و زندگی مسلمانان، شگفت زده شده و چون نقطه تردیدی در آن نیافتند، مجبور شدند بگویند که فقه اسلامی از قانون روم باستان اقتباس شده است^(۱)؛ سخنی که شامه خرد را می‌آزارد و از حقیقت بسیار فاصله دارد، چه آن که مسلم و واضح است اینکه فقه اسلامی از کتاب الله و سنت رسول صلی الله علیه و سلم مأخوذ است و این امر بر همگان روشن و هویدا است.

د: ایجاد تردید در صحت رسالت

یکی از موارد مهمی که خاورشناسان به ایجاد شک و شبهه درباره آن پرداختند، رسالت حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم است. آنان در رابطه با وحی الهی نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نیز گزاره‌گویی‌های بی شماری کردند. استاد عمادالدین خلیل در رد شبهات خاورشناسان در زمینه سیرت نبوی کتابی با عنوان «المستشرقون و السنة» نگاشته است که به اعتراضات و تناقض گویی آنان پاسخ داده است.

ه: ایجاد تردید در مبدا و معاد

یکی از رازهای سلامت جوامع اسلامی عمل کردن بر احکام الهی و سنت‌های نبوی و اعتقاد به مبدا و معاد می‌باشد. با تکیه بر همین اعتقاد است که از پیرایه‌های گناه و معصیت دوری می‌گزینند و به نیکی و رستگاری رهنمون می‌شوند. اما مستشرقان تلاش کردند این دروازه را نیز مسدود کرده، راه شک و تردید را در این باور باز گشایند. امام ابوالحسن علی ندوی می‌نویسد: آن عده از اندیشمندان و رهبران فکری را که تحصیلکرده مغرب زمین هستند و یا به شیوه غربی آموزش دیده‌اند، در مورد مبدا و معاد و دیگر مسائل اسلامی دچار شک و تردید کرده‌اند و آنها را نسبت به آینده اسلام نگران و نسبت به گذشته آن بدگمان ساخته‌اند.^(۲)

خاورشناسان در راستای اهداف شان به زبان و ادبیات عربی نیز حمله بردند تا رابطه خیل عظیم مسلمانان را از کتابهای عربی و بویژه کتاب الله و کتابهای حدیث از بین ببرند. آنان میراث فرهنگی اسلام را که خود از خوان نعمت آن بهره مند بوده‌اند نیز بی ارزش جلوه داده‌اند.

مطرح کردند، تا بتوانند درخت تنومند اسلام را از بنیاد سست کنند و راه انحراف را فراروی خود کامگان باز گزارند.

سید عطاء الله مهاجرانی می‌نویسد: قرآن در اسلام مثل ستون خیمه است اگر این ستون آسیب ببیند و بشکند - که چنین اتفاقی نخواهد افتاد - از اسلام چیزی باقی نمی‌ماند. از این روی تلاش گسترده‌ای برای مخدوش کردن قرآن معیج در طول سده‌های اخیر صورت گرفته است.^(۳)

این شبه افکنی‌ها تازه نیست، بلکه تاریخی دیرینه و کهن دارد. در دوران‌های گذشته نیز مخالفان اسلام و دشمنان کینه توز، انگشت اتهام و اعتراض به سوی قرآن دراز کردند و امروزه نیز اینان همان مسئولیت را به دوش می‌کشند. اما واضح است که نه در گذشته گردی بر ساحت بی‌آلایش قرآن نشسته، و نه امروزه می‌توانند به مقصود خود نایل آیند.

ب: ایجاد شک و تردید در سنت

حدیث یکی از پایه‌های بنیادین شرع اسلام و ستون‌های استوار دین است و پس از قرآن جایگاه دوم را حایز است. دشمنان اسلام با تمرکز بر این اصل، راه اعتراض و اتهام را گشوده و آن را هدف قرار داده‌اند، و برای درهم کوبیدن این میراث گرانبها، از تاریخ و شواهد تاریخی بهره می‌برند و یا به روایاتی استناد می‌کنند که با فرضیه‌ها و گمان‌های از پیش تعیین شده آنان همخوانی داشته باشد. آنان خواستند تا خللی در این سنگر اسلام به وجود آورده، این کاخ باشکوه را متزلزل سازند. اما به این هدف شان هرگز نخواهند رسید، زیرا علمای ربانی و وظیفه شناس، در هر زمان پرده از این توطئه‌ها برداشته و با موضعگیری و تلاشهای روشنگرانه خود، آنان را ناکام کرده و دامان قرآن و سنت را از هر گردی محفوظ و مصون نگهداشته‌اند.

ج: ایجاد تردید در فقه اسلامی

به دنبال تجزیه و تحلیل مسائل مختلف اسلامی، فقه اسلامی نیز عرصه تاخت و تاز اتهامات خاورشناسان قرار گرفته است. فقه اسلامی بنابر گستردگی و نقش بارز آن در راستای حل معضلات اجتماعی و راه‌حلهای همگون با طبیعت آن، مرکز توجه این پژوهشگران مغرض واقع شده است. لذا با شگردهای تبلیغاتی خویش فقه اسلامی

در دوران‌های گذشته نیز مخالفان اسلام و دشمنان کینه توز، انگشت اتهام و اعتراض به سوی قرآن دراز کردند و امروزه نیز اینان همان مسئولیت را به دوش می‌کشند.

ابزارهای عملی خاورشناسان

که جز غواصان دریای علوم و وارستگان وادی تحقیق و پژوهش بدان پی نمی برند.

از این رو با ضرس قاطع می توان گفت که بسیاری از آثار خاورشناسان خالی از غرض نیست، و بسا اندیشمندان سطحی نگر و التقاط گر مسلمان که با خواندن کتابهای این افراد، نغمه های ضد دینی و مخالف ارزشهای اسلامی آنان را ساز کردند و ره به ضلال و حیرت بردند.

استاد محمد غزالی مصری می نویسد: گروه عظیمی از درس خوانده ها در سرزمین های ما، طبقه مستشرقین را در مقام و منزلتی بسیار بالاتر از درجه ارزش و لیاقت شان قرار داده اند و در اثر بزرگ دیدن آنان، به دامشان گرفتار شدند و از این رو عقاید و ارزشهایشان فاسد شد.^{۱۳}

استاد مصطفی سباعی، نویسنده گانی همچون دکتر احمد امین و طه حسین مصری را از این دسته بر شمرده است، وی می نویسد: دسته ای دیگر از اندیشمندان اسلامی راه سرقت از اقوال و آثار خاورشناسان را پیش گرفته و گزافه گویی های آنان را در لباسی دیگر به خود نسبت دادند و به عنوان تحقیق از آن یاد کردند؛ یکی از این افراد دکتر احمد امین مصری است که در موارد بی شماری از کتابهای «فجر الاسلام» و «ضحی الاسلام» اقوال خاورشناسان را مستمسک خود قرار داده و بر طبل آنان کوفته است.^{۱۴}

طه حسین نیز با اندیشه ای سخیف و پست، راه اتهاماتی را که خاورشناسانی مانند مرگلیو و گلدزیهر باب کرده بودند گشود و در کتاب «شعر جاهلی» به نمایندگی از آنان، داوریهای شان را به خود نسبت داد و بدون تحقیق، مقاله نگاشت و سخن گفت.

البته باید خاطر نشان کرد که غرب و بویژه خاورشناسان، بسیاری دیگر را چونان طه حسین پرورده و از زبان آنان سخن گفتند و با خامة قلم آنان به طرح افکار و ایده های شکاکانه خویش پرداختند. این قبیل افراد در واقع بلندگوهای غرب در سرزمین های اسلامی بودند و در بسیاری موارد حتی نامی از آنان هم نبردند تا مبادا کسی به هويت درونی و ضعف شخصیتی آنان پی ببرد و پرده تلبیس از چهره کریه و خائنانه شان برداشته شود.

«ابویه» نیز یکی از همین دست پروردگان و ریزه خوار سفره الحاد همان خاورشناسان بود که به منظور شادمان

خاورشناسان برای رسیدن به نتایج مطلوب تر و به منظور تحکیم پایه های ارتباطی شان با جهان اسلام و مسلمانان از راههای مختلف و راهکارهای متعددی بهره بردند. ظرافت کارشان را از آنجا می توان دریافت که در اغلب اوقات برای تزریق افکار و اندیشه های خویش از کسوت اسلام استفاده کرده اند و بظاهر از راه استدلال، منطق، خردمحوری و حقیقت جویی وارد شده اند. اما در واقع در بستر چنین شعارهایی، افکار و اندیشه های ناموزون و انحرافی خویش را در رابطه با اسلام، پرورده اند که خبث باطنی شان از لابلای آثار و تألیفات شان ظاهر و مشهود است. در اینجا به طور فشرده به ابزارهای کاری خاورشناسان اشاره می شود:

۱- تألیف کتاب و رساله در رابطه با موضوعات اسلامی و تحلیل و تفسیر بر روش دلخواه خود، و تحقیق و پژوهش بسیار در این باره؛

۲- انتشار مجلات و روزنامه ها که در آنها درباره اسلام اظهار نظر می کنند و مقاله می نویسند؛

۳- ارسال و اعزام گروه های تبشیری به جوامع اسلامی که بسیاری از آنان یا مستشرق اند یا تربیت یافتگان و شاگردان آنان؛ این گروه ها در ظاهر به امداد رسانی و احداث بیمارستان، مدرسه، یتیم خانه و انجمن های خدماتی می پردازند اما در واقع اهداف دیگری دارند؛

۴- برگزاری سمینارها و کنفرانسها و ایراد سخنرانی و ارائه بحث های علمی؛

۵- تألیف و جمع آوری دائرة المعارف های اسلامی؛

۶- فعالیت های گسترده در رسانه های گروهی؛

۷- تشکیل و تأسیس انجمن های شرق شناسی؛

۸- موسسه های جغرافیایی و آکادمی های علمی.

برخی از روشنفکران اسلامی

و تأثیرپذیری آنان از مستشرقان

تردید نیست که خاورشناسان در راستای خدمت به علوم اسلامی، چاپ و انتشار بسیاری از کتابهای مندرس و فرسوده خطی، بررسی مراجع و متون دینی زحمات فراوانی متحمل شده اند. اما بسیاری از تحقیقات شان زهر آگین است، اما این زهر را در لابه لای کارهای تحقیقاتی خویش چنان زیر کانه و باظرافت تعبیه کرده اند

برخی

اندیشمندان و

تحصیلکردگان

مسلمان بیش

از حد بر

نوشته ها،

تحلیل ها و

نظرات

خاورشناسان

اعتماد می کنند

و با نوعی

خودباختگی و

بی اعتمادی

نسبت به

میراث فرهنگی

مسلمانان،

دنباله روی

اهداف و

برنامه های

آنان می باشند.

عرصه تحقیق و پژوهش خیزشی عظیم داشته باشند. بدون تردید استعدادهای درخشان و توانمندیهای بالقوه مسلمانان بالاتر و فراتر از خاورشناسان می باشد و موفقیت شان قرین همت مردانه آنان می باشد.

دکتر مصطفی سباعی می نویسد: اکنون زمان آن فرا رسیده است که رسوایی جهل از مصادرمان را از خویش بزدایم و عارتکیه بر اغیار را در زمینه فهم میراث فرهنگی اسلام از خود باز پس زنیم.^(۱۵)

۳- ارزیابی و نقد علمی نوشته های خاورشناسان

خاورشناسان در تألیفات، مقالات، پژوهش های دینی، فرهنگی، فقهی، روایی، عرفانی، و غیره به باطل ره برده و در تاریکی سنگ انداخته، و بدون آگاهی لب به سخن گشوده اند. برخی از آنان بسیاری از حقایق را نادیده گرفته، به تحریف عمده پرداخته، و پاره ای از واقعیت های اسلام را وارونه جلوه داده اند. بالاخره آنکه علیه اسلام هر چه توانسته کرده اند. این امر در بسیاری از تحقیقات شان جلوه گر و مشهود است. لذا شایسته است که اندیشمندان بیدار دل با ارزیابی کامل این نوشته ها و وسعت نظر به بررسی کامل آثار خاورشناسان پرداخته کژروپها و داوریهای ناصواب آنان را توضیح و تبیین نمایند.

یقیناً عملکرد آن دسته از نویسندگان و اندیشمندان اسلامی که در این راه گام نهاده و از اسلام دفاع کرده اند قابل تقدیر است.

۴- نیاز مبرم به غرب شناسان ورزیده

مردم مغرب زمین از دوران های بسیار گذشته تا حال، در اندیشه تسلط بر مشرق زمین بوده و برای باروری هر چه بیشتر این اندیشه، به شناسایی شرق و شرقیان پرداخته اند، از این رو پژوهش های شرقشناسی در میان غربیان رونق و اهمیت ویژه داشته است.

بنابراین شرق اسلامی برای رهایی از قید استعمار، تبشیر و استشراق، لازم است که در این برهه از زمان گامهای استوار و بلندی بردارد. چه آنکه با شناخت هر قوم، ملت و یا کشوری راه نفوذ مثبت هموار گشته، در ضمن اینکه از شرشان در امان می مانند خواهند توانست تأثیرات بجا و ارزنده ای بر آنان بر جای نهند.

دکتر سیدحسین نصر می نویسد: عرضه کلی بافیهای معینی در این باره که غربیها، دهری مشرب و ماتریالیست

کردن اربابان خویش کتابی شرم آور و پراز تهمت و افترا علیه راوی برگزیده حدیث، حضرت ابوهریره رضی الله عنه، نوشت.

برخی اندیشمندان و تحصیلکردگان مسلمان بیش از حد بر نوشته ها، تحلیل ها و نظرات خاورشناسان اعتماد می کنند و با نوعی خودباختگی و بی اعتمادی نسبت به میراث فرهنگی مسلمانان، دنباله روی اهداف و برنامه های آنان می باشند.

نیازهای جامعه اسلامی در مواجهه با خاورشناسی

امری که برای جوامع اسلامی، بویژه فرهنگ پژوهان و اندیشمندان اسلامی ضروری و بایسته است آنکه به جای اعتماد بر تحقیقات خاورشناسان، با استقلال فکری آستین همت بالا زده و با کندوکاو در ذخیره های کتاب و سنت و علوم متداول اسلامی و میراث فرهنگی غنی اسلام راه یابو گویی های بیگانگان را مسدود کنند، تا دسترسی به کتابهای خطی و اصیل برای پژوهشگران اسلامی سهل تر و راهش هموارتر باشد. و این نمی شود جز با همتی بلند تا مسلمانان خود میراث بران واقعی اندوخته ها و ذخایر آبابی و اجدادی خویش گردند. از این روی سهل انگاری در این زمینه خسارت های جبران ناپذیری برای مسلمانان به بار آورده و خواهد آورد. در اینجا به برخی از نیازهای جامعه اسلامی در مواجهه با خاورشناسی اشاره خواهد شد.

۱- برجسته کردن و تنقیح موارد ضعف

«دائرة المعارف اسلامی»

«دائرة المعارف اسلامی» که به همت و پشتکار خاورشناسان نگارش یافته، علی رغم اطلاعات وافر آن، نقایص و نقاط ضعف فراوانی دارد. با این وجود بسیاری از پژوهشگران و علم دستان در کشورهای اسلامی از آن بهره گرفته، بدان اعتماد کرده اند. از این رو ضرورت دارد که موارد ضعف، تحریفها و کاستی های تحقیقی و پژوهشی آن در رابطه با اصطلاحات و واژه های اسلامی و مفاهیم دینی، مورد بررسی و روشن گردد.

۲- خودکفایی در امر پژوهش و تحقیق

اندیشمندان اسلامی باید با در نظر گرفتن اصول تحقیق و پژوهش، بدون تأثیرپذیری از اندیشه های التقاطی خاورشناسان، برای بازیابی جایگاه مطلوب علمی در

✓ دکتر

سیدحسین

نصر می نویسد:

عرضه

کلی بافیهای

معینی در این

باره که غربیها،

دهری مشرب و

ماتریالیست یا

فعال و پویا یا

لذت طلب و

سخت کوشند

کافی نیست،

باید جوهر

غرب را فهمید

تا بتوان

تحولات

تجدد طلبی و

ریشه های

تاریخی

ایدئولوژیها و

نیروهایی را که

در آن ساخت

در کار است،

شناخت

خود بگیرد، و مسلمانان در تمامی کشورهای اسلامی برای رسیدن به اهداف متعالی اسلامی به این مهم ارج نهند و گامهای استواری در این راه بردارند. «و ما ذلک علی الله بعزیز. ربنا علیک توکلنا و الیک أنبنا و الیک المصیر».



پاورقی:

- ۱- برای تفصیل بنگرید: سید ابوالحسن علی ندوی، الاسلامیات بین کتابات المستشرقین و الباحثین الاسلامیین، ص: ۱۵-۱۶، مؤسسة الرسالة.
- ۲- تاریخ طب اسلامی اثر براون، ترجمه مسعود رجب نیا، ص: ۱۵، به نقل از نقد آثار خاورشناسان، ص: ۲۱.
- ۳- برای تفصیل بنگرید: کتابخانه اسکندریه اثر شبلی نعمانی و خدمات متقابل اسلام و ایران اثر مرتضی مطهری، ص: ۲۹۱، انتشارات صدرا.
- ۴- ندوی، اسلامیات، ص: ۱۶-۱۷.
- ۵- کارل پروکلمان، تاریخ ملت‌های اسلامی، ص: ۳۳.
- ۶- دکتر شوقی ابوخلیل، الاسقاط فی مناهج المستشرقین و المبشرین، ص: ۴۱-۲، استاد شوقی ابوخلیل با تفصیل به این شبهه پاسخ داده است.
- ۷- مصطفی سباعی، السنة و مکاتباتها فی التشریح الاسلامی، ص: ۱۸۸.
- ۸- محمد محمود صواف، نقشه های استعمار در راه مبارزه با اسلام، ص: ۳۱۹، ترجمه سید جواد هشترو دی، مؤسسه انتشارات فراهانی.
- ۹- مولانا جلال‌الدین بلخی، مثنوی معنوی، دفتر سوم، از بیت ۱۱۹۷ تا ۱۲۰۷.
- ۱۰- سید عطاءالله مهاجرانی، اسلام و غرب، ص: ۱۸۴، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۲ ه.ش.
- ۱۱- مصطفی سباعی، الاستشراق و المستشرقون مالهم و ما علیهم، ص: ۲۲.
- ۱۲- سید ابوالحسن ندوی، ارزیابی تمدن غرب، ص: ۲۹۳، مترجمان: سید محمد ثقفی و علی اکبر مهدی پور، انتشارات اسلامی قم.
- ۱۳- محمد غزالی، محاکمه گلدنزیهر صهیونیست، ص: ۹، ترجمه صدر بلاغی.
- ۱۴- مصطفی سباعی، الاستشراق و المستشرقون مالهم و ما علیهم، ص: ۸-۷.
- ۱۵- الاستشراق و المستشرقون مالهم و ما علیهم، ص: ۶۶.
- ۱۶- سید حسین نصر، جوان مسلمان و دنیای متجدد، صص: ۱۷-۱۶، انتشارات طرح نو.
- ۱۷- الاسلامیات، ص: ۲۱.
- ۱۸- سید حسین نصر، قلب اسلام، ص: ۱، ترجمه مصطفی شهر آیین، انتشارات حقیقت، چاپ اول، سال ۱۳۸۳ ش.

یافعال و پویا یا لذت طلب و سخت کوشند کافی نیست، باید جوهر غرب را فهمید تا بتوان تحولات تجددطلبی و ریشه‌های تاریخی ایدئولوژیها و نیروهای را که در آن ساحت در کار است، شناخت.^(۱۶)

۵- ضرورت برنامه‌ریزی مثبت و سازنده

استاد ندوی در این باره می‌نویسد: تنها اسلوب نقادانه و کارهای غیر مثبت کافی نیست، بلکه کار مثبت و سازنده نیز ضروری است. همچنین نیاز مبرم وجود دارد که یک کار علمی محققانه و حاوی اطلاعات و آگاهیهای عمیق و دانش پرور در زمینه موضوعات اسلامی آغاز شود و این عمل از دیدگاه تحلیلی - تحقیقی، درج مأخذ، مراجع و نمایه‌های مفید، متنوع و تفصیلی (که از ویژگیهای آثار و تحقیقات خاورشناسان شمرده می‌شود) سرشار باشد.^(۱۷)

با چنین کارهای ارزشمندی تحصیلکردگان مسلمان نسبت به منابع دینی و میراث فرهنگی اسلام اعتماد پیدا کرده و از اسارت فرهنگی‌هایی می‌یابند.

۶- فراگیری عمیق و کامل زبان انگلیسی و زبانهای دیگر اروپایی

مسلمانان و اندیشمندان اسلامی در عصر حاضر رسالت بزرگی بر عهده دارند، آنان با فراگیری زبان انگلیسی و زبانهای اروپایی می‌توانند نقش عمده و ارزنده‌ای در راستای شناساندن اسلام به مردم مغرب زمین داشته باشند. امروزه مشکل بزرگ آنست که غربیان شناخت درستی از اسلام ندارند و معلومات اندک‌شان را هم یا از طریق رسانه‌های گروهی به دست آورده‌اند و یا از مطالعه کتابهای برخی از خاورشناسان مغرض که جز وارونه نشان دادن حقایق دین اسلام هدفی نداشته‌اند.

دکتر سیدحسین نصر در تازه‌ترین اثر خود می‌نویسد: اینک این توجه نوحاسته، از زمان حوادث فجیع یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱م تا سطوح بی سابقه‌ای ارتقا یافته است، جهانیان بویژه در امریکا، تشنه اطلاعاتی درباره اسلام هستند، اما معمولاً اطلاعات سالمی در این باره در دسترس نیست. در حقیقت سیلی از معلومات همه رسانه‌ها، از کتاب گرفته تا نشریات، رادیو و تلویزیون را فرا گرفته است، معلوماتی که بیشتر بر پایه جهل، اطلاعات نادرست و حتی ساختگی است.^(۱۸)

البته لازم است که این نهضت مثبت و برآمده از اندیشه دعوت اسلامی، همواره تداوم یافته و سرعت بیشتری به

مسلمانان و اندیشمندان اسلامی در عصر حاضر رسالت بزرگی بر عهده دارند، آنان با فراگیری زبان انگلیسی و زبانهای اروپایی می‌توانند نقش عمده و ارزنده‌ای در راستای شناساندن اسلام به مردم مغرب زمین داشته باشند.